

درجه

**به بهانه درگذشت استاد حسین دهلوی**

**مرگ مانی**

**نسیم قاضی زاده**

● ماندن و دیدن مرگ غول‌ها آسان نیست؛ غول‌های بی‌همتایی که شاید قرن‌ها بگذرد و شبیه آنها بار دیگر ظهور کند. بیهوده است یادآوری اینکه حسین دهلوی، دردانه موسیقی ایران، در زمره آن غول‌ها بود. آهنگ‌سازی که از ۹ سالگی تا ۹۰ سالگی، عمرش را وقف موسیقی کرد، فعالانه در ایران ماند و قطعه نوشت و آهنگ‌سازی کرد و درس داد و دست آخر اجل فرصت زندگی بیشتر را از چنگ او ربود.

دهلوی دست‌پرورده صبا بود و خصلت‌های ایرانی‌اش را چه در موسیقی و چه در تربیت شاگردانش وامدار استادش بود. او که سال‌ها زیر نظر استادان موسیقی غیرایرانی فعالیت کرده بود، هرگز روح ایرانی را از آثارش حذف نکرد و این وجه را شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی آثار او دانست. او را بسیاری نابغه موسیقی دوران نام می‌دادند که اصلی‌ترین دلیل پشت این لقب، پیوندهایی بود که او در آثارش میان موسیقی ایرانی و موسیقی روز دنیا برقرار می‌کرد. مرحوم همایون خرم که از هم‌دوره‌های دهلوی بود، درباره او می‌گفت: «دهلوی باید بارها به خاطر فعالیت موسیقایی و چشمگیریش مورد توجه قرار گیرد. چه‌بسا که او در موسیقی عمیقی که می‌ساخت و به آن می‌پرداخت توجه کاملی به موسیقی اصیل ایرانی داشت و آن را به‌خوبی شناخته بود. گمان نمی‌کنم امروز لازم باشد به فعالیت‌های دیگر این هنرمند از قبیل اداره هنرستان موسیقی ملی بعد از روح‌الله خالقی یا تشکیل هنرکده موسیقی ملی و نوشتن آثار بسیار اشاره کنم.» زمانی که دهلوی رهبری ارکستر ملی را عهده‌دار بود، تمام تلاشش را کرد تا به موسیقی اصیل ایرانی اعتباری دیگر ببخشد و با استفاده از انرژی و پتانسیل ارکستر جوان، قطعات ایرانی را با کیفیت به صحنه ببرد. در همین راه ارکستر بزرگ سازهای مضرابی ایرانی را تأسیس کرد و با آن اجراهای مختلف را رقم زد؛ ارکستری که شاگردان زیادی را در آن تربیت کرد.

امروزه در ارکسترهای مختلف نوازندگی می‌کنند. دهلوی قطعات متعددی را در موسیقی ملی و محلی ایران برای ارکستر، آواز و ارکستر، سازهای تک‌نواز به‌همراهی ارکستر و نیز هم‌نوازی برخی از سازهای ایرانی تصنیف و تنظیم کرد، اما در کنار آنها او در زمینه موسیقی داستانی نیز فعالیت‌های خاصی داشت که اپرای خسرو و شیرین (با نگاهی به داستان نظامی‌گنجوی)، بیزن و منیره (براساس شاهنامه فردوسی) و اپرای مانا و ابراسه که به مناسبت سال جهانی کودک (۱۹۷۹) ساخته بود، از شاخص‌ترین‌های آنهاست. خوشبختانه در سال‌های پایانی عمر، این اپرا در تالار وحدت به روی صحنه رفت و موجبات شادی او را فراهم کرد. در این سال‌ها، دو سی‌دی از تصنیفات این آهنگ‌ساز منتشر شده است؛ آثاری از حسین دهلوی که شامل ۳۰ همدوی ارکستر قطعه از ساخته‌ها و تنظیم‌های او در زمینه کارهای جمعی موسیقی ملی است و سی‌دی دیگری به نام گزیده‌هایی از موسیقی داستان بیزن و منیره که به وسیله ارکستر سمفونیک رادیو وین اجرا و ضبط شده است و بعدها قسمت‌هایی از آن توسط ارکستر فیلارمونیک لندن نیز اجرا شده است. از همدوی ارکستر مختلفی به جا مانده که اصلی‌ترین آن کتاب اوست درباره پیوند شعر و موسیقی. این کتاب مهم‌ترین پژوهش او در حوزه موسیقی هم محسوب می‌شود که نوشتن آن ۴۴ سال به طول انجامید. نکته مهم درباره این کتاب این است که تا پیش از این منبعی جامع برای این موضوع وجود نداشت. خودش در این زمینه گفته بود: «من دیر زمانی بود که در کار تهیه و تدوین این کتاب بودم تا حاصل تجربه‌ها و یافته‌های خود را در زمینه پیوند شعر و موسیقی آوازی به صورتی مکتوب و با توضیحات و مثال‌های لازم برای فرهنگ موسیقی کشور به یادگار بگذارم. بر جرت می‌توان گفت در شرایطی که هنوز موسیقی جایگاه علمی و هنری خود را نداشته است نمی‌توان انتظار داشت که موارد و بستر آن رشد لازم را داشته باشد. موضوع این کتاب از جمله مواردی است که در گذشته به‌درستی روی آن کار نشده است و نمونه جامعی در اختیار نیست تا بتوان آن را الگو قرار داد و موارد بعدی را به آن افزود. اگر تلاشی هم شده باشد، به‌مرور از آن دور شده‌ایم؛ به شکلی که حتی عنوان این موضوع با باورهای بعضی از موسیقی‌دانان کشورمان غریبه است و برخی تصور می‌کنند شعر و کلام را به هر شکلی می‌توان برای موسیقی آوازی نوشت، غافل از اینکه پیوند شعر و موسیقی آوازی متکی بر اصولی است که ناشناخته مانده است.

من متوجه شدم که وقتی می‌خواهم این کتاب را بنویسم باید با اهل ادب، زبان‌شناسان و کسانی که عروض‌شناس‌اند، مشورت کنم. به هر شکل این کتاب با روش‌های بین‌المللی تطبیق داده شده تا راهگشایی مناسب باشد. شایان ذکر است که هیچ زبانی در دنیا به استثنای اسپرانتو براساس دستور از پیش تدوین‌شده بین اقوام مختلف رایج نشده و هر کدام پس از سال‌های بسیار که از تداول آنها گذشته است، کم‌کم مراحل تهیه و تدوین دستوری آنها آغاز شده است.

**ادامه در صفحه ۱۵**

**یک ضد قهرمان دوست‌داشتنی**

پرویز جاهد، از سینمایی‌نویسان باسابقه، در یادداشتی که در اختیار «شرق» قرار داد، درباره این فیلم سینمایی چنین نوشت: «نسخه جدید «درخونگاه» (متفاوت با نسخه‌ای که در جشنواره فیلم فجر نشان داده شد) با اینکه بخش‌های مهمی از آن قربانی تیغ تیز سانسور شده (از جمله سکانس ملاقات زن خیابانی با دوست رضا در تیمارستان) اما همچنان فیلمی محکم، پابرجا و تأثیرگذار است؛ فیلمی با آدم‌هایی واقعی و قابل لمس که نوع زندگی و روابطشان را باور می‌کنیم. شخصیت‌پردازی درست فیلم نشان می‌دهد سیواوش اسعدی آدم‌هایش را خوب می‌شناسد و با محیط زندگی، فرهنگ و زبان آنها، فقر و دردمندی‌شان، دروغ‌ها،

ناله‌ها، رذالت‌ها و نامردی‌های آنها آشناست و می‌داند چگونه آنها را تصویر کند. زبان سینمایی او عقب‌مانده نیست و نوع فضاسازی، شیوه کارگردانی و ضد قهرمانی که خلق کرده، بسیار مدرن و متفاوت با سینمای عقیم اجتماعی امروز است. ما رضا و تنهایی و زخم‌های او و رنجی را که هشت سال در غربت کشیده است، باور می‌کنیم. او مثل یک سامورایی زخمی است که خونت و مدارا را با هم دارد و حالا بعد از سال‌ها دربردی و تحمل عذاب در جهنم غربت و جان به‌دردبردن از دست پاکوזה‌ای ژاپنی به خانه‌اش برگشته تا زندگی آرام و راحتی را آغاز کند اما به‌تدریج می‌فهمد همه زحمات او بی‌نتیجه بوده است و آنچه در این سال‌ها با مشقت و رنج جمع کرده، به وسیله خانواده‌اش دود شده و به هوا رفته است.

تأثیرپذیری اسعدی از سینمای مسعود کیمیایی که این فیلم را نیز به او تقدیم کرده، کاملاً آشکار است؛ از لوکیشن‌های جنوب شهر تهران (محله درخونگاه) و فرهنگ و مناسبات آدم‌ها گرفته تا نوع دیالوگ‌ها. انکار رضا همان قیصر ۵۰ سال قبل است که این بار برای کار به جای آبادان به زاین رفته و حالا در بازگشت به خانه، خانواده را آشفته و پریشان می‌بیند. چاقوی او نیز به شمشیر سامورایی تبدیل شده است هر چند مثل قیصر از آن برای انتقام و کشتن استفاده نمی‌کند چراکه این بار کسانی که به او خنجر می‌زنند، مثل برادران آب‌منگل، غریبه نیستند، بلکه بستگان و اعضای خانواده او هستند. از طرفی شباهت‌هایی نیز بین رضا و تراویس، راننده تاکسی فیلم اسکورسزی، وجود دارد. فیکسور امین حیایی با نوع گرم و پوشش‌اش، از همان پلان اول که جلوی آینه با شمشیر نمایش می‌دهد تا نمای آخر که خسته و زخمی به خانه زن خیابانی می‌گذارد و به دیوار تکیه می‌دهد و چشم به دوربین می‌دوزد، تراویس بیکل، ضد قهرمان راننده تاکسی، را در ذهن تداعی می‌کند. رابطه رضا با زن خیابانی و نجات او از دست کسانی که قصد آزار یا دستگیری او را دارند نیز این شباهت را بیشتر تقویت می‌کند. با این حال، «درخونگاه»، به رغم تأثیرپذیری‌اش از «قیصر» یا «راننده تاکسی»، کپی آن یا هیچ فیلم دیگری نیست، بلکه فیلمی با شناسنامه و هویت مستقل خود است. فضاسازی فیلم و پرسه‌زن‌های رضا در کوچه پس‌کوچه‌های تهران پس از جنگ که هنوز بازگشت پیکراهی شهدا و مفقودان جنگ از جمله برادر دوقلوی رضا را انتظار می‌کشد، «درخونگاه» را به یکی از بهترین فیلم‌های تولیدشده در سال‌های اخیر تبدیل کرده است که بدون شعارداوری و اغراق در نمایش فقر و بدبختی، نشان می‌دهد فقر چگونه انسان‌ها را نسبت به هم بیگانه می‌کند و روح شققت را در آنان از بین می‌برد. امین حیایی بعد از «شعله‌ور» ثابت کرده است قابلیت‌های فراوانی در بازیگری و ایفای نقش‌های متفاوت و غیرمتعارف دارد. او خونسردی، مهربانی، یاس و درماندگی و خشم و اندوه رضا را عالی به نمایش می‌گذارد. حیایی بازیگری استثنایی است و باید قدر خودش را بیشتر بداند.

**ماز خودمان اقتباس کردیم**

اسا فیلم‌نامه یا به تعبیری فیلم‌نوشت «درخونگاه» محصول نگارش نیما نادری و سیاوش اسعدی است. اسعدی پیش از نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو با «شرق» از چرایی و چگونگی این تجربه صحبت کرد و گفت: «استارت درخونگاه در زمان توقف فیلم «سال تحویل» شکل گرفت و پیشنهاد را من به نیما دادم. یکبار دیگر هم در زمان اجرای نمایش به نیما گفته بودم، ولی نیما در آن زمان معتقد بود که این اثر نمایشی را به‌راحتی نمی‌توان به گونه‌ای سینمایی تبدیل کرد و کار دشواری است و شاید هم سراز چیز جذابی از کار درنیا‌بد، ولی بار دیگر در دوران برزخ «سال تحویل» که مطرح شد، انکار که او هم در این مدت به طرح موضوع فکر کرده باشد، با پیشنهادهایی با اشتیاق همراه شد. بعد در جلساتی درباره شکل اجرایی و سینمایی کار با هم صحبت و بعد شروع به نگارش کردیم. به برزخ هم که رسیدیم به سراغ ادامه نگارش «سال تحویل» رفتم تا تماشاش کردیم و چند ماه بعد که مجدداً به فیلم‌نوشت «درخونگاه» بازگشتم، یک‌ضرب تماشاش کردیم. ما معمولاً برای نوشتن سفر می‌کنیم و در تهران و دفتر کارمان نمی‌نویسیم. برای فیلم‌نوشت «درخونگاه» شش یا هفت سفر داشتیم، هر سفر هم چیزی حدود ۲۰ تا

## «درخونگاه» چقدر به کیمیایی شبیه است؟



**بهناز شیربانی**

از اکران عمومی فیلم «درخونگاه» چیزی نمی‌گذرد؛ فیلمی که در هیاهوی جشنواره فیلم فجر نظرات متفاوتی از سوی منتقدان و مخاطبانش وجود داشت و بازی بازیگرانش آن‌قدر چشم‌پرن بود که نام امین حیایی، ژاله صامتی و یانته آبناهی‌ها در میان نامزدهای دوره سی‌وهفتم جشنواره فیلم فجر قرار گرفت. فیلم به مسعود کیمیایی تقدیم شد؛ اتفاقی که برای بسیاری، تعابیر متفاوتی داشت. عده‌ای به دنبال رد پای سینمای کیمیایی در فیلم می‌گشتند و عده‌ای دیگر لحن فیلم را به ساخته‌های او شبیه دانستند. این ادای دین به مسعود کیمیایی حالا در اکران عمومی نیز محل بحث و نظر است. اما فارغ از همه این نکات برای تمام کسانی که فیلم را در جشنواره فجر دیده‌اند، جرح و تعدیل‌هایی که در فیلم اعمال شده، حیرت‌انگیز است. هر چند برخی آن را به نفع فیلم می‌دانند و از ریتم بهتر اثر صحبت می‌کنند و برخی دیگر خلاف این نظر را دارند.

۲۵ روز حالا کمی بیشتر یا کمتر زمان می‌برد و در ارتباط با لیه تبغی که گفتید، تیغ خود ما هستیم، لیه برای ترس نبود که بترسیم. اگر بریدیم و مجدد کوک زدیم، پارچه و خیساط از خودمان بود. ما از خودمان اقتباس کردیم. فیلم‌نوشت دیگرمان «سینما ستاره» نام دارد که اقتباسی است آزاد از یکی از رمان‌های پدرم سیامک اسعدی. او درباره سپردن نقش اصلی و قهرمان قصه‌اش به امین حیایی نیز گفت: «امین عزیزم نقشی را در «درخونگاه» ایفا کرده که تا پیش از «درخونگاه» در هیچ فیلمی از او ندیده‌ایم و خوب هم اجرا می‌کند؛ اندازه و زنده، به‌قدری زنده و اندازه که برای لحظاتی کوتاه فراموش می‌کردم او امین است. به باورم امین من رلد است و با خیال من خود را خوب همسو می‌کند؛ و این کار را با ظرافت تمام انجام می‌دهد.»

**ادبیات نمایشی ایران؛ تنها راه نجات سینما**

نیما نادری پیش از این، نمایش «بویبیتسومه» را روی صحنه برد و «درخونگاه» نسخه‌ای سینمایی از این نمایش‌نامه است. او در گفت‌وگو با «شرق» درباره شیوه دیالوگ‌نویسی، روایت قصه، انتخاب بستر زمانی تدرام و البته مفهومی که تعابیر متفاوتی از آن شد، مثل نگاه ضدجنگ که یکی از پیرنگ‌های قصه‌ای است که سعی شد در این فیلم به نگاه تلطیف‌شده‌ای نسبت به نمایش‌نامه به آن نگاه شود، گفت: «ممیز و ممیزی در تئاتر بسیار کمتر حاضر می‌شود مخالفت کند تا ممیز و ممیزی در سینما. وقتی نمایش «بویبیتسومه» را اجرا می‌کردم با تمام تقداهای تند و تیزی که از بسیاری از آدم‌های ایران و در آن‌وری درباره محتوای نمایش دریافت کردم، اما هیچ‌وقت هیچ‌کدام از ایشان به من لقب «دشمن وطن» یا «وطن‌فروش» ندادند! هیچ‌وقت کسی به من نگفت «تفرک کثیفی پشت افکار و ایده‌های من و نمایشم هست». اما همان حرف‌ها، دیالوگ‌ها و لحظه‌ها وقتی با قالبی دیگر در سینما وارد شدند -که البته به‌گفته تو حتی تلطیف هم شده بود- اما تا شد از همین صفات به من و سازندگان شریف درخونگاه نسبت دادند! که البته داوری ایشان بماند برای روز داوری!

نیما در آن زمان معتقد بود که این اثر نمایشی را به‌راحتی نمی‌توان به گونه‌ای سینمایی تبدیل کرد و کار دشواری است و شاید هم سراز چیز جذابی از کار درنیا‌بد، ولی بار دیگر در دوران برزخ «سال تحویل» که مطرح شد، انکار که او هم در این مدت به طرح موضوع فکر کرده باشد، با پیشنهادهایی با اشتیاق همراه شد. بعد در جلساتی درباره شکل اجرایی و سینمایی کار با هم صحبت و بعد شروع به نگارش کردیم. به برزخ هم که رسیدیم به سراغ ادامه نگارش «سال تحویل» رفتم تا تماشاش کردیم و چند ماه بعد که مجدداً به فیلم‌نوشت «درخونگاه» بازگشتم، یک‌ضرب تماشاش کردیم. ما معمولاً برای نوشتن سفر می‌کنیم و در تهران و دفتر کارمان نمی‌نویسیم. برای فیلم‌نوشت «درخونگاه» شش یا هفت سفر داشتیم، هر سفر هم چیزی حدود ۲۰ تا از نمایش اصلی «پپچه‌های پشت خط نبرد» را

### هنر

## «درخونگاه» چقدر به کیمیایی شبیه است؟

یادشان جاوید، شیوه دیالوگ‌نویسی در «درخونگاه» نکته‌ای است که بسیاری از سینمایی‌نویسان درباره آن نوشتند. نادری در پاسخ به این پرسش که شاید بسیاری به واسطه تکراری که در آثار سینمایی شاهدش هستند با این شیوه از دیالوگ‌نویسی آشنا نباشند و چقدر این شیوه گفت‌وگونویسی مناسب فیلمی مثل درخونگاه است؟ گفت: «من نتیجه این نوع دیالوگ‌ها و گفت‌وگونویسی و به طور کل این‌طور حرف‌زدن شخصیت‌های نمایشی را قبلاً در تئاتر و میان تماشاچیان تجربه کرده بودم، آنجا جواب داده بود. ضمن اینکه با سیاوش به اتفاق نظر رسیدیم که این ظرف قصه همراه با شخصیت‌هایش قرار نیست عامیانه- منظور عوامانه- حرف بزنند. این فیلم مرزی میان کابوس‌ها و رؤیاهای آدمی است، پس باید جملات، حرف‌ها و لحن آدم‌هایش هم مرزی میان جنون و عقل باشد؛ چیزی میان جدیت محض و شوخی محض. امیدوارم نتیجه داده باشد.

ما قطعاً نکته قابل بحث در اکران عمومی نسخه کوتاه‌شده فیلم است. او درباره اینکه تا چه حد به سانسور در فیلم‌نامه و محصول نهایی فیلم معترض است؟ گفت: «طبیعی است که دوست داشتم هرچه نوشته بودیم را مخاطب می‌دید و می‌شنید، اما خوب... نشد! مسئله من اما بیشتر با ماجرای سانسور و سانسورچی است؛ چون گروه سازنده درخونگاه، نعل‌بند نعل فیلم‌نامه‌ای را اجرا کردند که قبلاً از هفت‌خان بازخوانی متن و مجوز و تأیید ارشاد و ... گذشته بود و مجوزش را هم گرفته بود، اما حالا که پای نمایش همان فیلم‌نامه می‌رسد، جی می‌زنند و می‌گویند: «چه کسی به این مجوز داده؟ کسی؟ کجا؟ ما؟...». خوب این برای منی که تازه به این جهان پرتافتض با گذشتاهم هم‌زمان خنده‌دار است و گریه‌دار؛ علیرضا نادری جایی به این سیستم‌های ممیزی و کنترلی سینمای ایران، لقب «کارخانه ذوب ذوق و زیبایی» داده بود، اما با تمام تازه‌کاری‌ام این را زود فهمیده‌ام که: ممیزی یعنی «تمیزدادن»، «تمیزکردن»، اما آیا حقیقتاً اینجا این‌طور است؟

اینجا فلان‌کسی می‌گوید ما این دیالوگ یا این صحنه را دوست نداریم، پس حذف شود؛ به نظم این‌کشت، نه‌تنها عملی فرهنگی نیست که عملی ضدفرهنگ است؛ آیا شما می‌دانید؟ به مدد هوش سرشار ممیزی‌ها، در این فیلم هرچا که رضا مبتاق از «هشت» سال سختی و بیگاری در زاین گفته، با دوبله جدید و زورکی آن را به «هفت» سال سختی و بیگاری در زاین تغییر داده‌اند! این هم ممیزی‌ما! حالا این را بگویم محض اطلاع همان ممیز: «عدد ۷ را که وارونه کنی می‌شود همان ۱۸!» پس ممیز ما رسماً کاری را پیش نبرده، تنها حقیقت را وارونه کرده!»

نادری صحبت‌هایش را در مورد چینش بازیگران «درخونگاه» ادامه داد و گفت: «هروقت فیلم‌های الگو و برتر سینمای جهان را می‌بینم، به این می‌رسم که هیچ‌کس جز همین بازیگران نباید این نقش‌ها را ادا و بازی می‌کرده‌اند. درخونگاه هم برایم این‌گونه است. جز تعدادی انگشت‌شمار، کدام‌یک از بازیگران وطنی می‌تواند دو قدم زیبا بدود، با تن ورزیده‌اش را نشانمان دهد و اجرایی فیزیکال را جلوی دوربین ثبت کند؟ صحنه کوتاه و جذاب شمشیرزنی امین حیایی را در فیلم با دقت دیده‌ای؟ پس بزب به تخته! یکی از حسرت‌هایم را بگویم. قرار بود در یک صحنه شخصیت رضا در حیاط خانه ورزش کند، طناب بزند، مانند میمون با تیرح از درخت و در و دیوار به‌عنوان ابزار ورزشی استفاده کند و بارفیکس و پشتک بزند. اما چون از قطعیّت حضور حیایی مطمئن نبودیم، صحنه را حذف کردیم و بعداً هم به فراموشی سپرده شد؛ چون می‌دانستیم این کارها عمراً برای بازیگران سینمای وطنی‌مان نیست. این کارها برای ازماهتران است! حالا چرا این را یادم افتاد؟ چون مدتی پیش فیلمی از امین حیایی بیرون آمد که متأسفم که نشد همان حرات را در نقش رضا انجام دهد؛ یا ژاله صامتی... کجای مادر درخونگاه شبیه به خانم صامتی است؟ اما می‌بینید چه کرده؟ یا مهروا شریفی‌نیا ... من خوشبختم، چون در تئاتر این قصه که اجرا کرده بودم هم سه بازیگر شخصیت‌های اصلی من، همان‌هایی بودند که باید! همان‌هایی شدند که باید! همیشه به یادشان هستم.»

او ادامه داد: «همه‌یک‌کننده و تولیدکننده فیلم؛ یعنی منصور سهراب‌پور و سیاوش اسعدی؛ کار این دو بود که باعث شد نمایش من که در سالن کوچک تئاتر شهر با تماشاچیان اندک اجرا شده بود، این‌چنین در عموم مردم و میان چشم مخاطبان بی‌شمار قرار بگیرد. از این دو تشکر می‌کنم و این را هم بگویم که اصولاً سینما نیازمند رکنی مهم است که سال‌های سال به دنبالش می‌گردد و خبر ندارد آن ناجی از زرگ گردن به او نزدیک‌تر است؛ یکی از راه‌های نجات سینما، رجوع به ادبیات نمایشی است. این سو-تفاهم را از ذهن پاک کنیم که تئاتر زمین خاکی است و سینما زمین چمن! بلکه مکان تئاتر، مبنای درک صحیح از سینماست و درام.»

زیر آسمان فیروزه‌ای

**نشست داوران وکاندیداهای جایزه شعر شاملو**

● نشست مرحله اول پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو، با حضور اعضای مؤسسه الف، بامداد، شاعران برگزیده و داوران این مرحله برگزار می‌شود. به گزارش ستاد خبری پنجمین دوره جایزه شعر شاملو، این نشست که به منظور معرفی بیشتر شاعران منتخب مرحله اول و شعرخوانی آنان برپا می‌شود، فرصتی است برای گفت‌وگو با داوران و پرسش‌وپاسخ با آنها. این مراسم روز پنجشنبه، ۲۵ مهر ۱۳۹۸ از ساعت ۱۹ تا ۲۱ در مؤسسه خواش برگزار خواهد شد. هیئت داوران مرحله اول در روز یکم مهرماه، در بیانیه‌ای اسامی پنج اثر منتخب این هیئت را برای حضور در مرحله دوم جایزه شعر شاملو اعلام کرد. این پنج عنوان از میان ۱۵۸ اثر برگزیده شده‌اند؛ آثاری که از سوی شاعر یا ناشر اثر برای دبیرخانه ارسال شده و همگی چاپ اول سال ۱۳۹۷ خورشیدی و واجد شرایط شرکت در این رقابت ادبی بوده‌اند. این اثر طی بیش از سه ماه بر مبنای معیارهایی معین از سوی داوران مورد بررسی قرار گرفته‌اند که این معیارها در بیانیه هیئت داوران مورد اشاره قرار گرفته است. در بیانیه عنوان شده بود که امسال نزدیک به ۲۰۰ عنوان اثر برای شرکت در جایزه شاملو ارسال شده که از آن میان تعدادی، شعر نو یا چاپ اول سال ۱۳۹۷ و بنابراین واجد شرایط شرکت در این رقابت ادبی نبوده‌اند. داوران مرحله اول پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو را علیرضا آدینه، فرزاد کریمی و سعدی گل‌بیانی تشکیل داده‌اند. دفتر شعر برگزیده سال ۱۳۹۷ در مراسم اختتامیه این رقابت ادبی در روز ۲۱ آذر و در مراسم نودوچهارمین سالروز تولد احمد شاملو اعلام خواهد شد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

**نشست داوران وکاندیداهای جایزه شعر شاملو**

● نشست مرحله اول پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو، با حضور اعضای مؤسسه الف، بامداد، شاعران برگزیده و داوران این مرحله برگزار می‌شود. به گزارش ستاد خبری پنجمین دوره جایزه شعر شاملو، این نشست که به منظور معرفی بیشتر شاعران منتخب مرحله اول و شعرخوانی آنان برپا می‌شود، فرصتی است برای گفت‌وگو با داوران و پرسش‌وپاسخ با آنها. این مراسم روز پنجشنبه، ۲۵ مهر ۱۳۹۸ از ساعت ۱۹ تا ۲۱ در مؤسسه خواش برگزار خواهد شد. هیئت داوران مرحله اول در روز یکم مهرماه، در بیانیه‌ای اسامی پنج اثر منتخب این هیئت را برای حضور در مرحله دوم جایزه شعر شاملو اعلام کرد. این پنج عنوان از میان ۱۵۸ اثر برگزیده شده‌اند؛ آثاری که از سوی شاعر یا ناشر اثر برای دبیرخانه ارسال شده و همگی چاپ اول سال ۱۳۹۷ خورشیدی و واجد شرایط شرکت در این رقابت ادبی بوده‌اند. این اثر طی بیش از سه ماه بر مبنای معیارهایی معین از سوی داوران مورد بررسی قرار گرفته‌اند که این معیارها در بیانیه هیئت داوران مورد اشاره قرار گرفته است. در بیانیه عنوان شده بود که امسال نزدیک به ۲۰۰ عنوان اثر برای شرکت در جایزه شاملو ارسال شده که از آن میان تعدادی، شعر نو یا چاپ اول سال ۱۳۹۷ و بنابراین واجد شرایط شرکت در این رقابت ادبی نبوده‌اند. داوران مرحله اول پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو را علیرضا آدینه، فرزاد کریمی و سعدی گل‌بیانی تشکیل داده‌اند. دفتر شعر برگزیده سال ۱۳۹۷ در مراسم اختتامیه این رقابت ادبی در روز ۲۱ آذر و در مراسم نودوچهارمین سالروز تولد احمد شاملو اعلام خواهد شد.

تجدید فراخوان

**هفتمین جشنواره عکس خیام**

● فراخوان هفتمین جشنواره بین‌المللی عکس خیام تا ۲۹ مهرماه ۸۸ تمدید شد. با توجه به درخواست شرکت‌کنندگانی که به دلیل اختلال در شبکه اینترنت در آخرین روز، موفق به ارسال آثار نشده بودند و همچنین به دلیل اضافه‌شدن جوایز ویژه تهران، شورای سیاست‌گذاری جشنواره تصمیم به تمدید مهلت جشنواره تا ۲۹ مهر ۹۸ گرفت. بر این اساس، متقاضیانی که موفق به ارسال آثار خود نشده‌اند، می‌توانند در جشنواره ثبت‌نام کنند. همچنین به عکاسانی که پیش از این آثارشان را ارسال کرده‌اند می‌توانند تا ۲۹ مهرماه ۹۸ عکس‌های خود را تغییر دهند. هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی عکس خیام در شش بخش با موضوع آزاد کن‌رنگ، موضوع آزاد رنگی، موضوع شهر، موضوع خلاقه، موضوع گردشگری و موضوع مردم برگزار می‌شود. همچنین با حمایت اسپانسرهای جشنواره، جوایز ویژه‌ای در سه بخش به بهترین عکس‌ها اهدا می‌شود.

تجدید فراخوان

**هفتمین جشنواره عکس خیام**

● فراخوان هفتمین جشنواره بین‌المللی عکس خیام تا ۲۹ مهرماه ۹۸ عکس‌های خود را تغییر دهند. هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی عکس خیام در شش بخش با موضوع آزاد کن‌رنگ، موضوع آزاد رنگی، موضوع شهر، موضوع خلاقه، موضوع گردشگری و موضوع مردم برگزار می‌شود. همچنین با حمایت اسپانسرهای جشنواره، جوایز ویژه‌ای در سه بخش به بهترین عکس‌ها اهدا می‌شود.

۱- جایزه ویژه تهران: از بین بهترین عکس‌ها با موضوع شهر تهران، خیابان خیام تهران یا مجسمه خیام (ساخته استاد ابوالحسن صدیقی در پارک لاله تهران)

۲- جایزه بهترین عکس هوایی

۳- جایزه بهترین عکس نجوم

تجدید فراخوان

**نمایش ۶ فیلم ایرانی در جشنواره لایپزیگ آلمان**

● شصت‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند و انیمیشن در لایپزیگ در حالی از بیست‌وهشتم اکتبر برابر با ۶ آبان آغاز می‌شود که شش فیلم ایرانی در این دوره از جشنواره حضور دارند. این بزرگ‌ترین جشنواره مستند آلمان است. هر سال، ده‌ها فیلم‌ساز از سراسر جهان برای شرکت در این فستیوال به لایپزیگ می‌روند. امسال ۲۱۰ فیلم از ۶۱ کشور در این جشنواره حضور دارند. بر اساس اخباری که روی سایت جشنواره قرار گرفته است، مستند بلند «روابط خانوادگی»، ساخته ناصر ضمیمی به بخش مسابقه اصلی فیلم‌های بلند این دوره از جشنواره راه یافته است. در این مستند، کارگردان ارتباط پیرمردی ۸۰ ساله به نام حاجی‌بلا را فرزندانش را نشان می‌دهد. همچنین مستند بلند «اکدشوس»، ساخته بهمن کیارستمی نیز به بخش برنامه بین‌المللی این جشنواره راه یافته. کیارستمی در این فیلم به مرکز بازگشت مهاجران افغان پرداخته است. این مرکز مسئولیت ثبت‌نام و اعزام مهاجران افغان را که به‌صورت غیرقانونی وارد ایران شده‌اند، برعهده دارد. مستند بلند «خاتمه»، به کارگردانی مشترک مهدی و هادی زارعی از دیگر فیلم‌هایی است که به بخش برنامه بین‌الملل شصت‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند و انیمیشن در لایپزیگ راه یافته است. این فیلم، داستان زندگی دختری افغان است که به دلیل ازدواج زودهنگام و خشونت توسط خانواده، از خانه فرار می‌کند. «اولس جه» مستند دیگری از ایران است که در بخش مستند نیمه‌بلند جشنواره لایپزیگ نمایش داده می‌شود. این فیلم به کارگردانی کامران حیدری، به زندگی و مرگ خودخواسته ابراهیم منصفی، خیابگر و ترانه‌سرای بندرعباسی پرداخته است. همچنین «آشوو»، ساخته جعفر نجفی در بخش رقابت بین‌المللی فیلم‌های کوتاه این جشنواره پذیرفته شده است. آشو نام‌گذاری چوپان است که به سینما و بازیگری دلبستگی دارد. او از صبح تا شب مشغول کار است، اما هم‌زمان به‌خاطر عشقی که به فیلم‌های مطرح سینمای جهان و بازیگری دارد، رؤیابافی می‌کند.